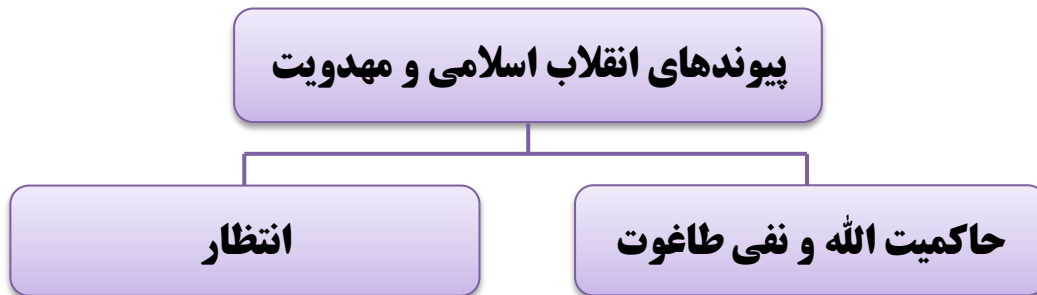


انقلاب اسلامی و مهدویت

پیوندهای انقلاب اسلامی و مهدویت:



❖ حاکمیت الله و نفی طاغوت:

بر اساس آیات قرآن، هدف از ارسال پیامبران دو چیز است: بندگی خدا و اجتناب از طاغوت. دو آیه زیر از جمله این آیات اند:

- «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ ابْعُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل/۳۶)
- «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ» (بقره/۲۵۶)

پیام هر دو آیه این است که بندگی خدا، با پذیرش طاغوت سازگار نیست.

برای درک بهتر این آیات، ابتدا باید مفهوم دو واژه «طاغوت» و «عبد» را درک کنیم:

- **طاغوت:** طاغوت از ریشه طغیان و صیغه‌ی مبالغه است. طاغوت یعنی کسی که از حد یا حدودی که خدا برای انسان قرار داده است، طغیان کند.

انواع بندگی طاغوت:

- بندگی هوای نفس: «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (جاثیه/۲۳)
- بندگی شخص دیگر: نظام‌های حاکم بر دنیا از جمله لیبرالیسم، جزء این دسته‌اند.
- **عبد:** خداوند در آیه‌ی «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»، هدف خلقت را بندگی معرفی می‌کند. علامه طباطبایی در ذیل این آیه فرمودند: که مراد از «لِيَعْبُدُونِ»؛ شناختِ خداست.

بر این اساس، بندگی خدا شامل دو مرحله است:

▪ کسب معرفت نسبت به خدا و جایگاه او و شناخت خود انسان

▪ رسیدن به کمالات الهی (نزدیکی به خدا)، به واسطه‌ی شناخت خدا

واژه عبد در قرآن غالباً در مورد پیامبران؛ از جمله پیامبر اسلام به کار رفته است:

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى» (اسراء/۱)

عبد بودن پیامبران، بالاتر از رسالت ایشان است

و تنها راه رسیدن به مقامات الهی، بندگی خداست.

هدف ظهور امام زمان نیز، همانند انبیا و امامان، این است که «الله» حکومت کند

و انسان‌ها **عبدالله** باشند، نه عبد طاغوت.

شعار اصلی مردم در روزهای اول انقلاب، دو چیز بود: «الله اکبر» و «مرگ بر شاه»؛ پس شعار اصلی

انقلاب ما هم، حاکمیت الله و نفی طاغوت است. امام خمینی بارها در سخنان خود به این امر تاکید

داشته و هدف انقلاب را با هدف بعثت انبیا یکی می‌دانستند.

اصل دوم قانون اساسی نیز، به آرمان «حاکمیت الله و نفی طاغوت» به عنوان یکی از اصول غیر قابل

تغییر جمهوری اسلامی اختصاص دارد.

❖ انتظار:

انتظار از واژه‌های کلیدی مهدویت است و ریشه انقلاب ما نیز، فرهنگ انتظار بوده است.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج»

بر اساس این روایت و روایات دیگر، انتظار یک حالت درونی نیست؛ بلکه یک عمل است.



✓ انتظار منفی:

انتظار منفی و منفعلانه، یعنی سکون و سکوت که با سخن پیامبر مغایرت دارد. این انتظار، انتظار عده‌ای

از جمله اعضای انجمن حجتیه در سال‌های پیش از انقلاب بود. این گروه در مبارزات مردم علیه رژیم

شاه، شرکت نمی‌کردند. آنها اموری که اظهار محبت و مودت نسبت به امام زمان است؛ مانند خواندن دعای ندبه، رفتن به زیارت، صدقه و دعا برای امام زمان را، انتظار می‌دانستند.

✓ انتظار مثبت:

انتظار مثبت و فعال، انتظار مورد نظر روایات و به معنی آمادگی و ایستادگی برای یاری است. امام خمینی می‌فرمود: «انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند.»

ما انقلاب کردیم چون منتظر بودیم و می‌خواستیم زمینه‌ی ظهور را فراهم کنیم.

آیه‌ی ۱۱ سوره رعد «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ که در دوران انقلاب در سخنرانی‌ها بسیار مطرح می‌شد، مؤید همین معنی است. مردم ما نیز بر اساس این آیه و تفکر برخاسته از حقیقت انتظار، انقلاب کردند.

وظایف منتظران در دوران غیبت:

خداوند در قرآن سه بار، در سه سوره‌ی متفاوت فرموده است که همه پیامبران آمدند تا دین خدا بر همه ادیان غالب شود:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه/۳۳)

انتظار ما هم باید در مسیر غلبه‌ی اسلام بر همه‌ی ادیان باشد.

نکات مهم آیه:

- (۱) منظور از غلبه اسلام، غلبه ظاهری است نه غلبه استدلالی و منطقی.
- (۲) این وعده، هنوز محقق نشده و تحقق آن هنگام ظهور است.
- (۳) حاکمیت اسلام به معنی نبودن سایر ادیان در زمان حکومت امام زمان نیست.



• **قانون جهانی:** خداوند قرآن را بدون هیچ تحریفی حفظ، و به عنوان قانون جهانی، برای ظهور

ذخیره کرده است.

- **رهبر جهانی:** خداوند امام زمان را به عنوان رهبر جهانی برای ظهور ذخیره کرده است.
- **پذیرش جهانی:** عموم مردم جهان باید بپذیرند که قانون و رهبر خدا بر آنان حکومت کند.

وظیفه‌ی ما در دوران غیبت، ایجاد پذیرش جهانی است.

این امر از طریق دو راه امکان پذیر است:

- **آگاهی بخشی:** شناخت امام زمان و آرمان حکومت مهدوی و سپس شناساندن آن به مردم جهان.
- **حذف موانع:** محدود دانستن انقلاب اسلامی به کشور ایران، امری اشتباه است. انقلاب اسلامی یک تفکر است، که معتقد به زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان و رفع موانع ظهور است. دشمن این را می‌داند و دائماً برای ما، مانع‌تراشی می‌کند.

تضعیف از داخل کشور و تخریب در خارج از کشور؛ اقداماتی است که دشمن در این جهت انجام می‌دهد.

انتظار در معنای حقیقی آن، یک مفهوم مرزی و جغرافیایی نیست؛

بلکه مفهومی جهانی است، چون حکومت امام جهانی است.

و ما نسبت به سایر کشورها و مردم جهان وظایفی داریم، از جمله مبارزه با ظالم.

انقلابی بودن یا انقلابی ماندن؟

یکی از مباحث مهم دوران انتظار، انقلابی ماندن است؛ یعنی یادمان نرود انقلاب تمام نشده است.

انقلابی ماندن، وظیفه‌ی یک منتظر در دوران غیبت است.

خدا در قرآن در آیات ۲۴۶ تا ۲۵۰ سوره بقره، ضمن بیان ماجرای رویارویی سپاه طالوت و جالوت به این نکته تاکید می‌کند:

در زمان سموئیل نبی، هنگامی که مردم از جور حاکم ظالم خود، جالوت، به تنگ آمدند؛ از پیامبر خود خواستند تا فرماندهای برای آنان تعیین کند تا همراه با او به جنگ بروند. اما هنگامی که خداوند طالوت را برای این امر انتخاب کرد، عده‌ای با اکراه او را پذیرفتند و همراه او به جنگ رفتند.

خداوند این گروه را به وسیله نهر آبی، مورد آزمایش قرار داد و عده‌ای در این آزمون دچار ریزش شدند. طالوت به سپاهش گفت: «خدا شما را به نهر آبی آزمایش کند؛ هر که از آن بیاشامد از من و هم آیین من نیست و هر که نیاشامد یا به قدر مستی بیشتر نیاشامد از من خواهد بود.»

همه به جز گروهی اندک، از آب نهر نوشیدند. گروهی دیگر نیز هنگام رویارویی با لشکر دشمن ریزش کرده و از سپاه طالوت جدا شدند...

امام باقر (ع) در حدیثی می‌فرماید:

«افرادی که تا آخر کار به طالوت وفادار ماندند، ۳۱۳ نفر بیشتر نبودند.»

در روایت دیگری، امام صادق (ع) می‌فرماید:

«خداوند اصحاب موسی را به وسیله نهر آبی آزمایش کرد. اصحاب قائم ما نیز چنین

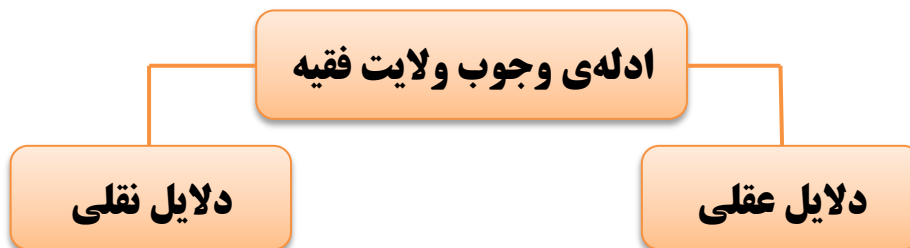
امتحانی خواهند داشت.»

از این آیات و روایات می‌توان چنین برداشت کرد که تنها کسانی می‌توانند جزء ۳۱۳ یار امام زمان باشند که نه تنها اهل حرام نیستند؛ بلکه به حداقل دنیا اکتفا می‌کنند و از جنگ با دشمن نمی‌هراسند.

ولایت فقیه:

در دوران غیبت، باید از عالم دینی، یعنی ولی فقیه اطاعت کرد. ولایت فقیه اصطلاحی است که امام خمینی در مورد نیابت عامه در دوران غیبت کبری به کار برده‌اند.

ولایت فقیه، ادامه دهنده‌ی جریان امامت در دوران غیبت است.



• دلایل عقلی:

امام معصوم به خاطر داشتن دو ویژگی علم و عصمت، حق حکومت دارد و ما هم وظیفه اطاعت داریم. هر کدام از ما، معیارها و ایده‌آل‌هایی برای زندگی خود داریم. اما اگر به دلایلی به آن نرسیم، از آن دست نمی‌کشیم؛ بلکه به حکم عقل، یک درجه از ایده‌آل خود پایین آمده و نزدیک‌ترین گزینه به آن را انتخاب می‌کنیم. بر اساس همین حکم عقلی، ما در عصر غیبت که دسترسی به امام معصوم نداریم، یک پله از خواست خود پایین‌تر می‌آییم و ولایت نزدیک‌ترین فرد به علم و عصمت امام، یعنی فقیه جامع‌الشرایط را می‌پذیریم.

منظور از علم امام، علم به حدود الهی است و فقیه نزدیک‌ترین فرد به امام در این علم است. یک درجه پایین‌تر از عصمت، عدالت است. منظور از عدالت، داشتن ملکه عدالت است؛ ملکه عدالت یعنی حالتی نفسانی که به واسطه آن، فکر، قصد و هدف فرد، انجام حدود الهی است؛ نه گناه. اما چون انسان است

ممکن است از روی سهو و غفلت، دچار اشتباه شود.

اگر در یک کشور به طور همزمان دو یا چند فقیه واجد شرایط وجود داشته باشد، چه

کسی باید حکومت را در دست گیرد؟!

به حکم عقل، از آنجایی که همه فقها نمی‌توانند هم‌زمان حکومت کنند، باید به سراغ کسی رفت که در اداره حکومت توانمندتر است و به علاوه مقبولیت مردمی بیشتری دارد.

چون مردم عادی به طور معمول توانایی شناخت فقیه جامع‌الشرایط را ندارند، در قانون اساسی راهکاری به نام «**مجلس خبرگان**» در نظر گرفته شده است. مردم، علمای مورد اعتماد خود در هر شهر را انتخاب می‌کنند و سپس خبرگان منتخب مردم، صلاحیت فقیه جامع‌الشرایط را، برای رهبری بررسی می‌کنند.

• دلایل نقلی:

❖ ولایت عالمان دین بر اساس آیه ۴۴ سوره مائده: «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا

النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُخْفِضُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ...»؛ ما تورات را فرستادیم که در آن هدایت و روشنایی است و پیغمبرانی که تسلیم امر خدا هستند بدان کتاب بر یهودان حکم کنند و نیز خداشناسان و علمایی که مأمور نگهداری کتاب خدا هستند و...
وظیفه‌ی آوردن کتاب و تبیین آن برای مردم، بر عهده‌ی پیامبران است؛ اما رفتن پیامبران به معنی اتمام کار هدایت نیست؛ بلکه عالمان دینی وظیفه دارند، بعد از پیامبران راه آنها را ادامه دهند. بر این اساس همان‌گونه که عالمان، جانشین پیامبران در غیبت آنها هستند، علما در عصر غیبت امامان، جانشین آنها هستند.

❖ مشهورترین روایت در اثبات ولایت فقیه در دوران غیبت، که مورد اتفاق و استناد تمامی علما

شیعه است، **توقیع امام زمان** است: «...و أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا فإنهم

حجتي عليكم و أنا حجة الله عليهم»

بررسی نکات مهم:

▪ **«رواه حدیث»:** راوی حدیث، نقل‌کننده‌ی حدیث نیست؛ بلکه اصطلاحی است برای کسی که

صلاحیت نقل حدیث را دارد. در گذشته تا کسی عالم نمی‌شد، اجازه نقل حدیث را به او نمی‌دادند.

▪ **محدوده و حق ورود فقیه به مسائل:** همه‌ی علما پذیرفته‌اند که ورود به حوزه‌ی قضاوت و امور حسبیه، جزء وظایف ولی فقیه است. برخی علما به همین حد اکتفا کرده‌اند؛ اما نگاه عده‌ای از جمله امام خمینی، بر اساس همین توقیع شریف، متفاوت است.

عبارت «الحوادث الواقعة» این حد را مشخص می‌کند. کلمه حوادث جمع است و «ال» جمع هم قبل از آن آمده است. «الواقعه» که به آن وصل شده نیز همین طور است. «الحوادث الواقعة» همه‌ی امور و حوادث دوران غیبت را شامل می‌شود.

ولایت مطلقه فقیه:

ولایت مطلقه، یعنی محدوده‌ی ورود فقیه در مسائل جامعه، مطلق امور اجتماعی است و این به معنای استبداد نیست. آیت الله جوادی آملی می‌فرماید: «ولایت فقیه، ولایت فقه است.» یعنی فقیه بر اساس فقه عمل می‌کند نه بر اساس هوای نفس.

در نظام جمهوری اسلامی همه ارکان حکومت باید تحت ولایت ولی فقیه باشند.

ولی فقیه بعضی از این ارکان، مانند اعضای شورای نگهبان و رئیس قوه قضائیه را به طور مستقیم انتخاب می‌کند و بعضی مانند رئیس جمهور و اعضای مجلس را از طریق مشورت با مردم.

❖ بیان امام رضا به علی بن مسیب همدانی:

علی بن مسیب همدانی به امام رضا عرض کرد: من از شما دور هستم و هر وقت اراده کنم به شما دسترسی ندارم. دینم را از چه کسی بگیرم؟ امام فرمودند: از زکریا بن آدم قمی. سپس فرمودند: در امور دین و دنیا به او اعتماد کن.

رابطه انقلاب اسلامی و مهدویت در آیات و روایات:

❖ «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى

الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (مائده/۵۴)

در ذیل این آیه چندین روایت داریم که رسول خدا فرمودند: این قومی که خدا در این آیه اشاره می‌کند، قوم سلمان فارسی هستند. در بسیاری از روایات آمده است که حداقل یک گروه از زمینه‌سازان ظهور، ایرانیان هستند.

❖ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...» (نور/۵۵)

این آیه بدون شک، مربوط به مهدویت و دوران ظهور است. وعده‌هایی که در این آیه داده شده است، مربوط به همین دنیاست و در عین حال در طی ۱۴۰۰ سال گذشته، هنوز محقق نشده است. خداوند چهار وعده در این آیه ذکر کرده است:

▪ مومنان در زمین حکومت کنند.

▪ دینشان را قدرت بخشد.

دینی که خداوند به آن راضی است؛

دینی است که رهبرش امام علی (ع) است که پیامبر او را در غدیر به امامت نصب کرد.

«أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»

▪ امنیت کامل بر سراسر جهان حاکم شود.

▪ خدا بندگی شود و بساط شرک و کفر از زمین برچیده شود.

تحقق همه وعده‌های این آیه، در زمان ظهور امام عصر (عج) خواهد بود.

آرمان انقلاب اسلامی، چهار آرمان ذکر شده در این آیه است

و ما وظیفه داریم در مسیر تحقق این آرمان‌ها حرکت کنیم

تدریس استاد متوسل

موضوع: انقلاب اسلامی و مهدویت

خلاصه و چکیده مطالب ارائه شده در کلاس‌های آموزشی معارف مهدویت

تهیه شده در واحد مهدویت موسسه مضاف، مهدیاران [@Mahdiaran](https://www.mahdiaran.com)